

دوره ششم تقنینیه

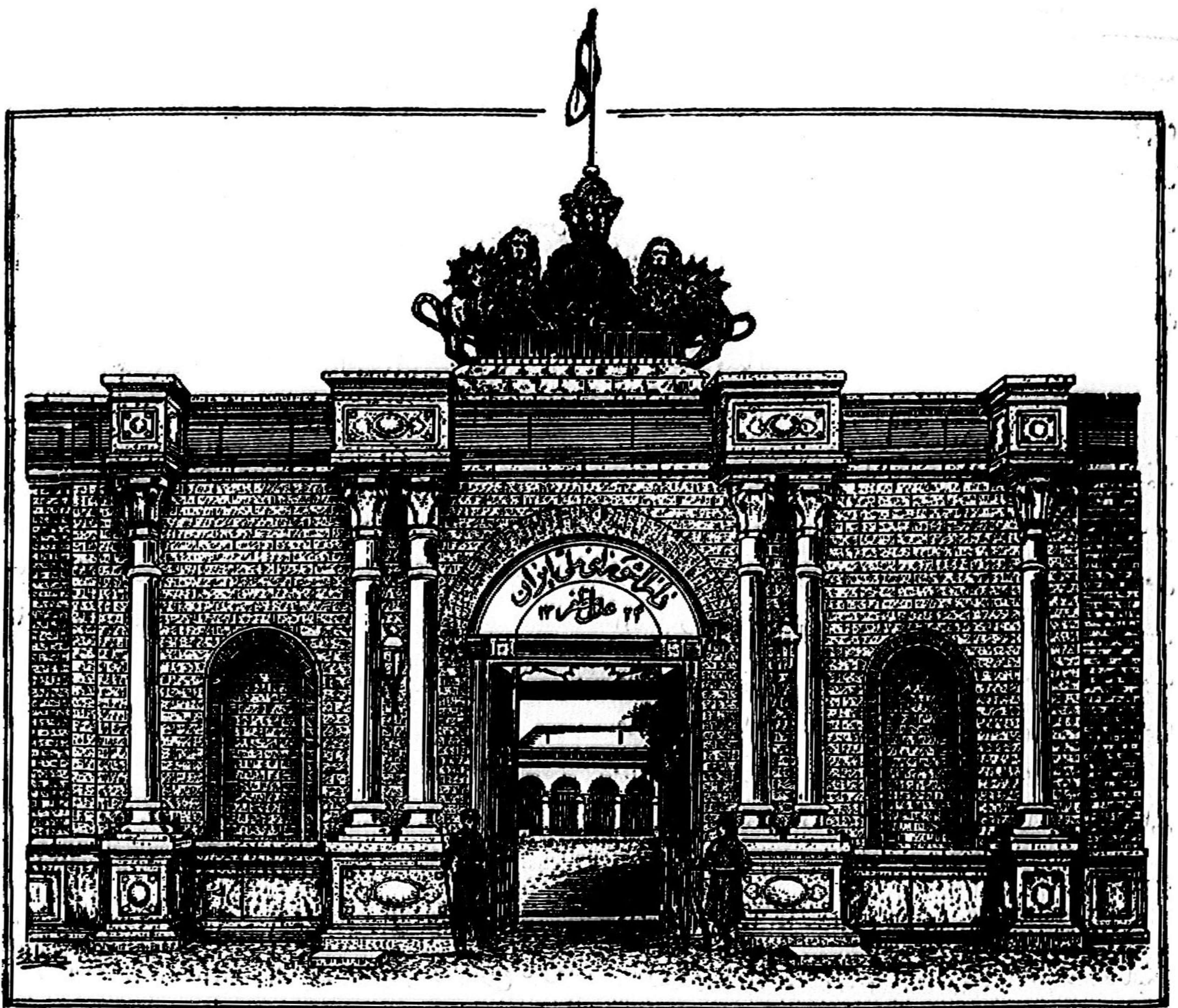
<p>جلسه ۱۳۳</p>	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	<p>شماره ۹۸</p>
<p>تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه سه شنبه ۴ امرداد ماه ۱۳۰۶ مطابق ۲۶ محرم الحرام ۱۳۴۶</p>	<p>مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در یک شماره منتشر میشود. مطبعة مجلس</p>	<p>قیمت اشتراك داخله ایران سالیانه ده تومان خارج « دوازده تومان قیمت تک شماره یک قران</p>



# فهرست مندرجات

	از صفحه	عنوان	
الی صفحه			
۱۹۸۳	۱۹۸۲	نصوب مرخصی آقابان : امام جمعه شیراز - آقا سید ابراهیم ضیاء - میرزا حسینخان وزیری	۱
۱۹۹۸	۱۹۸۳	قرائت پیشنهادات راجع به ریاست کل مالیه و مذاکره در اطراف آنها	۲





# مذاکرات مجلس

## دوره ششم تقنینیه

صورت مشروح مجلس سه شنبه سوم مردادماه ۱۳۰۶ مطابق ۲۶ محرم الحرام ۱۳۴۶

### جلسه ۱۳۳

غائبین با اجازه جلسه قبل  
 آقایان : حاج علی اکبر امین - اعتبار - اسفندیاری  
 حیدری مکرری - میرزا محمد تقی طباطبائی - احتشامزاده  
 طباطبائی دیبا - لیقوایی - فرشی - عدل - دکتر لقمان - مفق

( مجلس دو ساعت و یک ربع قبل از ظهر برپاست )  
 آقای پیرنیا تشکیل گردید )  
 ( صورت مجلس بکشنبه اول مرداد را آقای  
 بنی سلیمان قرائت نمودند )



و نظر باینکه آقای ضیاء همیشه از اشخاص وظیفه شناس بوده و هیچوقت میل ندارند غفلت در انجام وظیفه نمایند برای اینکه زحمات ایشان که در راه تأسیس مدرسه و کارخانه های متعلقه به آن عظیم مانده و این مؤسسه عام المنفعه را تکمیل نمایند استثناء کمیسیون سه ماه از پنج ماه را از روز حرکت تصویب و رایورت آن را تقدیم مینماید

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده از آخر لایحه اطلاع نداشتم. بنده دیدم چندی قبل ایشان تشریف برده بودند و دومرتبه تشریف آوردند ولی در آخر لایحه دیدم مرخصی ایشان برای یادگرفتن صنعت (خنده نمایندگان) و تأسیس مدرسه صنعتی و اینها است. بنده این مسئله را خوب میدانم و عقیده دارم سایر آقایان و کلامم که هر کدام مرخصی میگیرند بروند يك کار عام المنفعه یاد بگیرند و این قبیل مرخصی ها را بجز مملکت میدانم و امیدوارم ایشانهم که تشریف بردند مدرسه را بیک طریقی تأسیس کنند که واقعا ما مشغوف شویم.

رئیس - رأی میگیریم بر مرخصی آقای ضیاء آقابانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. خبر مرخصی آقای وزیری

(بترتیب ذیل خوانده شد)

آقای وزیری نماینده محترم بواسطه تصفیه امورات محلی موکلین خود تقاضای دو ماه مرخصی از روز حرکت نموده کمیسیون تقاضای ایشان را تصویب و خبر آنرا به مجلس شورای ملی تقدیم میدارد و ضمناً نماینده محترم تذکر میدهد که پس از تصویب در ظرف چهار ماه حق استفاده از دو ماه مرخصی خواهند داشت

رئیس - رأی میگیریم بر مرخصی دو ماهه آقای وزیری آقابانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد خبر راجع بر مرخصی آقای میرزا رضا خان افشار

(اینطور خوانده شد)

آقای آقا میرزا رضا خان افشار از تاریخ انقضای مدت تعطیل برای سی و پنج روز از یازدهم شهریور تا ۱۵ مهر تقاضای مرخصی نمودند کمیسیون تصویب و رایورت آنرا تقدیم میدارد

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده يك عرضی راجع به کلیه مرخصی ها دارم و آن این است که بنده و همه آقایان میخواهیم يك استفاده ماهی سیصد تومان که قانونی هم شده از مجلس بکنیم وقتی هم که دو ماه سه ماه میخواهیم بی کارهای شخصی برویم باز هم حقوق میگیریم خوب است يك قانونی از مجلس بگذرد که وقتی میخواهند به مرخصی بروند حقوق نگیرند.

رئیس - آقای امیر حسینخان

امیر حسینخان - بنده تصور میکنم اگر آقای فیروز آبادی در موارد اولیه این اعتراض را میفرمودند بجز آن بود تا راجع به آقای افشار. ایشان از ابتدای این دوره تا کنون حتی یک ساعت هم اجازه نخواسته اند.....

فیروز آبادی - وظیفه شان است.

امیر حسینخان - پس لابد دیگران هم همین وظیفه را دارند. در هر صورت ذکر هم شده است که کار خیلی لازمی دارند خوب است آقای فیروز آبادی همانطور که بد دیگران رأی دادند به این خبر هم رأی بدهند.

رئیس - رأی گرفته میشود. آقابانیکه مفاد این خبر را تصویب میکنند قیام فرمایند.

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده واحده راجع به رئیس

کل مالیه مطرح است. آقای فیروز آبادی

خطیبی - در جلسه گذشته گفته شد مذاکرات کافی

است بنا بود رأی گرفته شود.

رئیس - (خطاب به آقای فیروز آبادی)

نامل کنید. گفته شده است مذاکرات کافی است باید رأی گرفته شود. آقابانیکه مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - اکثریت است رأی گرفته می شود به

ماده واحده.

مدرس - آقا پیشنهادی تقدیم کرده ام.

رئیس - پیشنهادها قرائت میشود. پیشنهاد آقای

ارباب کیخسرو.

(بمضمون ذیل خوانده شد)

اصلاح ماده واحده را بنده بشرح ذیل پیشنهاد میکنم: مجلس شورای ملی بدولت اجازه میدهد که مستر مکاسکی امریکائی خزانه دار کل فعلی ایران را موقتاً به مدت چهل و نه روز مطابق مواد چهارده کانه که دولت اخیراً برای دکتر میلیسپو تهیه کرده بوده اند بکفالت ریاست کل مالیه برقرار نمایند و ضمناً دولت مکلف است در ظرف مدت مذکوره فوق برای استخدام بکنفر امریکائی متخصص و لایق بجهت ریاست کل مالیه اقدام و اهتمامات شده کنترات او را بمجلس شورای ملی تقدیم دارد.

رئیس - آقای ارباب کیخسرو

ارباب کیخسرو - در جلسه گذشته که بنده اینجا عرضی کردم متأسف هستم که کاغذ دکتر میلیسپو را نتواندم بودم وقتی در روز نامه خواندم دیدم او همه قسم تسلیم و حاضر بوده است و علت اینکه باوجود حاضر بودن ایشان دولت مساعدت نکرده است البته خود دولت توضیح خواهد داد. زیرا خود او آنجا میگوید برخلاف فرمایشی که آقای یاسائی اظهار کردند که او میخواهد کاپیتولاسیون در اینجا برقرار کند او میگوید من حاضر هستم برای حکمیت ایران. و او حاضر است



زعیم - سلطان ابراهیم خان افخمی .

غائبین بی اجازه جلسه قبل

آقایان : محمدولی خان اسدی - علیخان اعظمی - نظام مافی - حشمتی - میرزا محمد تقی بهار - حاج حسن آقا ملک - جهانشاهی - تقی زاده .

دیر آمدگان با اجازه جلسه قبل

آقایان : جمشیدی مازندرانی - ملک مدنی - شریعت زاده نوبخت - میرزا حسن خان وثوق - محمود رضا .

دیر آمدگان بی اجازه جلسه قبل

آقایان : امیر حسین خان ایلخان - حاج میرزا حبیب الله امین - امام جمعه شیراز - محمد تقی خان اسعد - ثقة الاسلامی .

رئیس - صورت مجلس ایرادی دارد یا نه ؟

( گفته شد خیر )

رئیس - صورت مجلس تصویب شد .

رئیس - چند فقره خبر از کمیسیون مرخصی رسیده است بمضمون ذیل قرائت میشود و رأی میگیریم

( خبر مرخصی راجع به امام جمعه شیراز بشرح ذیل خوانده شد )

امام جمعه شیراز تقاضای سه ماه مرخصی از یازدهم شهریور نمودند کمیسیون مرخصی مزبور را از روز حرکت تصویب نمودند اینک خبر آنرا تقدیم مجلس میدارد .

رئیس - رأی میگیریم آقایانیکه مرخصی ایشان را تصویب میکنند قیام فرمایند .

( اغلب برخاستند )

رئیس - تصویب شد . خبر راجع به مرخصی آقای آقا سید ابراهیم ضیاء

( مضمون ذیل خوانده شد )

آقای آقا سید ابراهیم ضیاء تقاضای پنج ماه مرخصی نمودند کمیسیون برای دادن اجازه خود داری نمود ناعلت واقعی این تقاضا معلوم شود . با تحقیقات کامل کمیسیون

رئیس - تصویب شد خبر راجع بمرخصی آقای میرزا رضا خان افشار

( اینطور خوانده شد )

آقای آقا میرزا رضا خان افشار از تاریخ انقضای مدت تعطیل برای سی و پنج روز از یازدهم شهریور تا ۱۵ مهر تقاضای مرخصی نمودند کمیسیون تصویب و رایورث آنرا تقدیم میدارد

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده يك عرضی راجع به کلیه مرخصی ها دارم و آن این است که بنده و همه آقایان میخواهیم يك استفاده ماهی سیصد تومان که قانونی هم شده از مجلس بکنیم وقتی هم که دو ماه سه ماه میخواهیم بی کار های شخصی برویم باز هم حقوق میگیریم خوب است يك قانونی از مجلس بگذرد که وقتی میخواهند به مرخصی بروند حقوق نگیرند .

رئیس - آقای امیر حسینخان

امیر حسینخان - بنده تصور میکنم اگر آقای فیروز آبادی در موارد اولیه این اعتراض را میفرمودند بجز آن بود تا راجع به آقای افشار . ایشان از ابتدای این دوره تا کنون حتی یکساعت هم اجازه نخواستند اند . . . . .

فیروز آبادی - وظیفه شان است .

امیر حسینخان - پس لابد دیگران هم همین وظیفه را دارند . در هر صورت ذکر هم شده است که کار خیلی لازمی دارند خوب است آقای فیروز آبادی همانطور که بد دیگران رأی دادند به این خبر هم رأی بدهند .

رئیس - رأی گرفته میشود . آقایانیکه مفاد این خبر را تصویب میکنند قیام فرمایند .

( اکثر قیام نمودند )

رئیس - تصویب شد . ماده واحده راجع به رئیس

کل مالیه مطرح است . آقای فیروز آبادی

خطیبی - در جلسه گذشته گفته شد مذاکرات کافی

است بنا بود رأی گرفته شود .

رئیس - ( خطاب به آقای فیروز آبادی )

نامل نکنید . گفته شده است مذاکرات کافی است باید رأی گرفته شود ، آقایانیکه مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند .

( اغلب قیام نمودند )

رئیس - اکثریت است رأی گرفته می شود به

ماده واحده .

مدرس - آقا پیشنهادی تقدیم کرده ام .

رئیس - پیشنهادها قرائت میشود . پیشنهاد آقای

ارباب کیخسرو .

( بمضمون ذیل خوانده شد )

اصلاح ماده واحده را بنده بشرح ذیل پیشنهاد میکنم : مجلس شورای ملی بدولت اجازه میدهد که مستر مکاسکی امریکائی خزانه دار کل فعلی ایران را موقتاً به مدت چهل و نه روز مطابق مواد چهارده کانه که دولت اخیراً برای دکتر میلسپو تهیه کرده بوده اند بکفالت ریاست کل مالیه برقرار نمایند و ضمناً دولت مکلف است در ظرف مدت مذکوره فوق برای استخدام یک نفر امریکائی متخصص و لایق بجهت ریاست کل مالیه اقدام و اهتمامات شده کنترت او را بمجلس شورای ملی تقدیم دارد .

رئیس - آقای ارباب کیخسرو

ارباب کیخسرو - در جلسه گذشته که بنده اینجا عرضی کردم متأسف هستم که کاغذ دکتر میلسپو را نخوانده بودم وقتی در روز نامه خواندم دیدم او همه قسم تسلیم و حاضر بوده است و علت اینکه باوجود حاضر بودن ایشان دولت مساعدت نکرده است البته خود دولت توضیح خواهد داد . زیرا خود او آنجا میگوید برخلاف فرمایشی که آقای باستانی اظهار کردند که او میخواهد کاپیتولاسیون در اینجا برقرار کند او میگوید من حاضر هستم برای حکمیت ایرانی . و او حاضر است



در مورد اختلاف قضیه در مجلس یا جای دیگر حل شود معذک اولتیهاتوم به او داده میشود و چون نمیتوانسته است خودش را حاضر کند برای اولتیهاتوم در آخر اظهار عجز کرده است از قبول اولتیهاتوم. حالاً هم اینجا باید نظر دولت را دید که آیا حاضر است با او وارد مذاکره شود و راه مسالمتی با او پیش بگیرد یا نه؟ با کاغذی که بنده دیده ام او نوشته است اگر دولت خودش را حاضر کند برای مذاکره و موافقت با او کمان میبندم بهتر باشد. بنده عقیده دارم همیشه برای پیشرفت امور سرکارها اگر دولت است یک دولت قائمی باشد بامدت طولانی که بتواند نظریات خودش را انجام دهد. اگر مستخدم می آورند یک مدتی به او باید مهلت بدهند که او بتواند خدمات خودش را انجام دهد. البته اوایی که دکتر میلسپو آمده بود چون یک تجربیاتی نداشت ممکن بود بعضی اقدامات که میکرد بر خلاف مقتضای باشد ولی بتدریج از مضمون همین کاغذ معلوم میشود که زمینه مقتضیات مملکت را بدست آورده و خودش را حاضر کرده است که یک طریق مسالمتی را پیش بگیرد و اگر ممکن بشود دولت با او داخل مذاکره در قرار داد بشود بنده او را مقدم میدانم بر این پیشنهاد خودم و اما راجع به این پیشنهادی که بنده کرده ام اولاً برای این است که دولت پنجاه و یک روز پیشنهاد کرده بود دو روز از آن گذشته و چهل و نه روز بیشتر باقی نیست نایباً بنده نمیدانم که دولت چند ماده به دکتر میلسپو پیشنهاد کرده است ولی از مضمون روزنامهها اینطور فهمیدم که چهارده ماده است (اگر بیشتر است بنده نمیدانم خود دولت توضیح خواهند داد) مقصود من این است که علت ندارد دولت یک تکلیفی به دکتر میلسپو بکند و بالاخره موافقت حاصل نشود و آن چیزیکه حاضر نشدند بدکتر میلسپو بدهند حاضر بشوند بشخص دیگری بدهند این چندین ضرر دارد. اولاً اینجا اعمال غرض شده است که بنده یقین دارم غرض نبوده ولی در عمل ما هر قدر

بگوئیم غرض فهمیده نمیشود فهمیده میشود. نایباً وقتی که این اختیارات (همان اختیاراتی که دولت از آن راضی نبوده است) باین شخص داده شده است معنی و منطق ندارد بیکی که بعد از او می آید و قادر تر از او خواهد بود بدهد برای اینکه این شخص الان تسلیم است بقول آقای وزیر مالیه که دیروز در نطق خودشان فرموده بودند (اگر چه بنده حضور نداشتم) فرموده بودند این شخص متنبه شده است و میدانند چه جور کار بکنند پس وقتی که این شخص متنبه شده است بقول آقای وزیر مالیه نجاوزات نمیکند...

وزیر مالیه - همچو عرضی بنده نکردم.

ارباب کیخسرو - در روز نامه بنده خواندم نوشته بودند که این شخص متنبه شده است و دیگر نجاوزاتی نخواهد کرد. البته این تنبه معنی زیاد دارد و هر کس بمذاق خودش تعبیر میکند. بنده وقتی که در روز نامه خواندم مثلی بنظرم آمد که بی مناسبت نیست اینجا عرض کنم. بکوفتی در کتابی خواندم که شیر و کرک و رونهایی رفتند شکار هر کدام یک چیزی آورده و بناشد تقسیم کنند. شیر به کرک گفت تقسیم بکن گفت خوب هر کس هر چه آورده است مال خودش ولی شیر از این تقسیم غضبناک شد و یک سیلی بگوش کرک زد که سر او برید. به رونه گفت تو تقسیم بکن رونه گفت نه این مسلم است آنچه شیر شکار کرده برای نهار و آنچه کرک نهیه کرده برای شام و آنچه بنده نهیه کرده ام برای صبح شیر باید باشد. از او سؤال شد که این تقسیم خوب را از کجا یاد گرفتی؟ گفت از آن سیلی که بگوش کرک خورد. در آن عبارتی که بنده در روزنامه خواندم این مثل بیادم آمد. با آن سیلی که بگوش دکتر میلسپو خورد هر کس بعد از او بیاید متنبه خواهد شد...

آقا سید بقوب - آقا کشته شدن سپهسالار پادانان رفته؟

ارباب کیخسرو - اجازه بدهید قربان بنده کسی نبودم

که تا دیروز نمجید دکتر میلسپورا کرده باشم و امروز بر ضدش حرف بزنم. بنده در موقع پرگرام آقای مستوفی کفتم مالیه خوب است باید اصلاح شود ولی امروز بیستم مالیه خراب تر خواهد شد که این عرایض را می کنم. در هر صورت باز از دولت تقاضا میکنم که بذل توجهی بفرمایند اگر ممکن است با او طریق مسالمتی بشرحی که در کاغذ خودش نوشته است پیش بگیرند و مسئله را اصلاح کنند و اگر نتوانستند اقلأ طریق دیگر پیش بگیرند که بعد اسباب ندامت نشود.

رئیس الوزراء - رشته میلسپو و کارهایش یکماه پیش از این گسسته شده بود. بنده یکماه میانجی کردم. نه بسمت وزارت بلکه بسمت شخص خودم و منتها موافقتی که برای اصلاح اینکار میکردم من غیر رسم بود که بعد بیا بدیهیست وزراء شاه فرمودند. وزیر دربار مأمور شد که با اتفاق بنده در خارج بادکتر میلسپو مذاکراتی بکنیم و یک زمینه درست بکنیم بعد مطلب را رسمی کنیم و بیاوریم به هیئت. چند مجلس هفت ساعت و هشت ساعت و نه ساعت نشستیم و گفتگو کردیم. فصول یک قرار نامه یا کنتراتی مختلف است، اگر هیجده فصل دارد چهار فصلش مهم است. باقی فروع است آن چهارنارا وقتی درست کردند بقیه را البته بایک کلمه بیشتر یا کمتر هم ماقبول میکنیم هم او قبول میکند. اساس مطلب روی حکمیت بوده است و تشخیص تکلیف وزراء این مملکت غیر از امور مالی امور دیگری هم دارد که اگر در آن امور یک قدم بناموقع گذاشته شود مالیه و حالیه و همه چیزش از بین میرود (بعضی از نمایندگان صحیح - است) پس یک هیئت دولتی باید بتواند در یک موقع ضرورتی حفظ مصالح خیلی بزرگ مملکت را بکند هیچ دولتی که بخواند بیک مملکتی خدمت بکند نمیتواند نمکین بکند باینکه اگر مصلحت پیش آمد در یک امری حکماً برود سه نفر را از خارج پیدا کند که آنها حکمیت کنند. حالاً این مصلحت مملکت است باینست در صورتیکه شاید خیلی از مصالح

هست که اصلش به هیچ سه نفری نمی شود گفت مگر آن اشخاصی که اسمشان وزیر مسئول است این جوانی را که میلسپو نوشته است بنده هم وقتی خواندم تا دو سه سطر با آخرش مانده دیدم هیچ عیب نداردمن هم پسندیدم ولی هر چه هست در آن دو سه سطر آخر است که نوشته است این پیشنهاد شمارا عیناً من قبول نمیکم. آقایان که مطلع از جلسات صحبت ما با او نیستند خیال میکنند اصول را قبول میکنند و از فروع رده میکنند اینطور نیست. در جوانی که میلسپو نوشته شده است و شاید آقایان (شاید هم ندارد حکماً) خواهند دید موادی را که میلسپو چهار فقره پیشنهاد کرده است در موضوع حکمیت که من اینرا قبول میکنم نه اینرا دولت نمیتواند قبول کند. ما بالاخره نمیتوانیم اینجا بنشینیم و دولت ایران را خودمان محکوم کنیم. اینکار را نخواهیم کرد البته ما تقدیر میکنیم، خیلی هم اظهار رضامندی میکنیم میلسپو در این چند سالی که بوده است خدمات هم به مملکت ما کرده است، مالیه را هم سر و صورتی داده است پولها را هم جمع آوری کرده است ولی یک معایبی هم در کار بوده که همیشه دولت شانه خالی کرده است از ترس آن حکمیت و در آن موقع که نمجید کنترات او را میکردند میبایست این معایب را رفع بکنند همه جور حاضر شده ایم برای همراهی بشرط رفع شدن این معایب ولی او نپذیرفت آخرش هم جوانی که بما نوشته است میگوید که بله من حاضر نیذیرم که از در این طرف وارد شوم نه از در آن طرف. از هر دردی که دلشان میخواهد وارد شوند. سخن در پذیرفتن آن مواد معین است و چون بعد از (شاید) بیست و پنج ساعت مذاکره که خود بنده با علاقه مندی که به نگاه داشتن او داشتم (جهت کردم، اهتمام کردم او را هم نصیحت کردم، اینطرف را هم نصیحت کردم و اینطرف هم نصیحت نمخواست، اینها فقط اعتبارات خودشان را میخواستند) نتوانستم موفق بشوم. این شخص بیک نظریاتی (او را هم تکذیب نمیکم) میگوید من



تا بحال اینطور کار کرده ام بعد ما هم میخواهیم اینطور کار بکنم و چون نمیتوانستیم قبول کنیم و چون دولت نمیتوانست نظار او را در اینکه من حاضر بودم این را قبول کنم اما حاضر نیستم اما همه اش را قبول کنم و دولت عاجز است از اینکه خودش را باین اندازه پست کند که آن شرایط را قبول کند از این جهت ما این پیشنهاد را کردیم.

رئیس -- اگر اجازه میفرمائید تمام پیشنهادها قرائت شود بعد رأی بگیریم.

بعضی از نمایندگان صحیح است.

(پیشنهاد های مزبور بشرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد آقای شیروانی

پیشنهاد میشود در آخر ماده واحده اضافه شود (و در انقضاء این مدت قانون مزبور بکلی ملغی و این اختیارات بدون تصویب مجلس شورای ملی باحدی داده نخواهد شد) وزیر مالیه -- صحیح است دولت قبول میکند.

رئیس -- آقای بامداد پیشنهاد کرده اند

(بشرح ذیل خوانده شد)

بجای آوردن مستشار موقت با دائمی برای مدیریت مالیه چند نفر لایق صحیح العمل ایرانی را دولت به مجلس پیشنهاد کند تا يك نفر از میان آنها معین شود و در عین حال دیوان محاسبات را برطبق قانون تشکیل دهند پیشنهاد آقای مدرس: پیشنهاد میکنم در مدت پنجاه و يك روز اختیارات باقایی حاج مخبر السلطنه داده شود پیشنهاد آقای شیروانی: تبصره ذیل را به ماده واحده پیشنهاد میکنم.

تبصره -- دولت مکلف است در ظرف مدت فوق وسایل استخدام يك نفر متخصص عالی مقام امریکائی (از اتباع دول متحده امریکائی شمالی) را برای ریاست کل مالیه ایران فراهم نماید.

پیشنهاد آقای دکتر رفیع خان: پیشنهاد میکنم که برای

کل مالیه توانست آن موادی را که دولت ما با پیشنهاد میکرد قبول کند بنابر این او میروید به مملکت خودش و ما هم آزاد هستیم که يك نفر دیگر را برای مملکت خودمان استخدام کنیم و برای احترامات مملکت ما این موضوع لازم بود در مجلس شورای ملی گفته شود که فردا يك اشخاصی يك چیزهایی در خارج بگویند اگر هم يك حرف هائی هست يك حرف های شخصی است مملکت رو بهمرقعه عقیده اش این است که بنده عرض میکنم در اینجا صحبت سر دو چیز است یکی دادن يك اختیاراتی به يك شخصی که اختیارات باو داده میشود. اگر ما بخواهیم بکنفر مستخدم خارجی بدون اینکه يك اختیارات معینی داشته باشد استخدام کنیم و يك پول زیادی باو بدهیم بیاید در اینجا مثل سایر مستخدمین در تحت تأثیر عمرو و زبید واقع شود این مستخدم بعقیده بنده نه تنها نمیتوان از او استفاده کرد بلکه ممکنست ضرر هم داشته باشد بنا بر این باید تا يك اندازه اختیارات بدهیم بیک نفر مستخدم خارجی ولی البته این تا آرزوی است که ما مستخدم خارجی لازم داریم ولی وقتی نیازی شدیم از مستخدم خارجی البته يك جریانات هست مثل تمام دنیا ما هم همانطور رفتار میکنیم اما وقتی که فائل شدیم يك اختیاراتی حتماً باید بيك اشخاصی و يك مستخدمین خارجی داد چون آن اختیارات بکفدری فوق العاده است و از اختیارات يك مستخدم معمولی زیادتر است آن شخص هم باید يك قدری شخص غیر معمولی باشد. ما نمیتوانیم اختیاراتی را که در دوره چهارم با اینکه بنده افتخار نمایندگی داشتم ولی در خارج بودم و در جریانات بودم اختیاراتی که در آن دوره بشخص دکتر میلسپو داده شد غالباً مواد آن باتلگراف با آمریکا مخابره میشد و بتوسط دولت میآمد به کمیسیون بودجه و در کمیسیون بودجه حلاجی میشد و اظهار نظر هائی میشد و مجدداً باتلگراف مخابره میشد و باتوافق نظر این مستخدم (که در آمریکا بود) و کمیسیون بودجه

این اختیارات نوشته شد. پس این يك موضوع خیلی ساده و کوچکی نیست که ما بیائیم این اختیارات را بدون يك مطالعه زیادی از شخصی بيك شخص دیگری بدهیم برای اینکه مجلس چهارم بانهایت دقت و باخرج کردن مبلغ زیادی پول تلگراف بالاخره توانست توافق نظر پیدا کند بین بيك شخصی بادولت ایران با بيك سلسله اختیارات حالا در این ضمن يك موادی در خارج آوردند و ملحق کردند باین قانون خدا هدایت کند اشخاصی را که این کار را میکنند و مملکت ما را در آخر کار دچار يك محظوران میکنند. در هر صورت ما این اختیاراتی که با اینهمه اهمیت بيك شخص مهمی داده ایم نمیتوانیم بيك شخص غیر مهم دیگری بدون مطالعه بدهیم بنده نمیخواهم عرض کنم مستر مکاسکی که او هم پنجسال بدولت ایران خدمت کرده است ولی بالاخره مجلس شورای ملی بیش از اینها باید مطالعه کند در دادن يك اختیاراتی بيك مستخدمینی ولو هرکس باشد. گاهی از مواد قوانین از ابهام قوانین در موقع وضع قوانین يك سوء استفاده هائی میشد در اینجا درست است که ما چهل و نه روزه يك اختیاراتی که بيك شخصی داده ایم میخواهیم بيك شخص دیگری بدهیم ولی ممکن است حوادث بالاخره طوری بکنند که دولت موفق نشود باینکه در انتهای این مدت يك نفر مستخدم عالی مقامی را بجای دکتر میلسپو بگمارد و باز به بعضی بهانه ها و حرف ها تمديد از ما بخواهند. و خلاصه اینکه کبیر کنیم در يك موقع معجزی و باز بگویند خوب حالا که میشود مالیه مملکت را ول کرد و باید چند روزی صبر کرد تا بيك مستخدمی پیدا شود بنده چون آرزو او را مستخدم ایران نمیدانم (همانطور که امروز دیگر شخص دکتر میلسپو را مستخدم دولت ایران نمیدانم) اختیاراتی هم که برای او وضع شده است میخواهم در آخر این مدت چهل و نه روز آتری از جاپای او باقی نماند. ممکن است مجلس شورای ملی فوق این اختیارات را بيك فرد دیگری



بدهد در هر صورت این اختیارات و این قانون بعد از این مدت باید کان لم یکن باشد آنوقت البته مجلس هر کس را صلاح میدانند در نظر میگیرد و هر اختیاراتی را هم که مجلس شورای ملی صلاح میدانند بیک شخصی میدهد. این است که بنده پیشنهاد کردم که در آخر این ماده اضافه شود که پس از چهل و نه روز این قانون بکلی ملغی و این اختیارات هم باحدی داده نخواهد شد و اما راجع به تبصره (چون بیک مرتبه میخواهم توضیح بدم زیرا ماده با تبصره رأی گرفته میشود) موضوع تبصره بنده در خارج اطاق مجلس از رئیس الوزراء و آقایان وزراء بطور خودمانی و خصوصی در جلو چند نفر از همکاران محترم گویا آقای کازرونی هم تشریف داشتند پرسیدم آیا واقعاً خیال دارید بجای دکتر میلسپو بیک نفر متخصص عالیمقام استخدام کنید یا خیر؟ این را ما بگوئید که ما تکلیفمان را در موقع پیشنهاد دادن و حرف زدن بدانیم. شخص رئیس الوزراء به بنده فرمودند که دولت ایران تصمیمش این است که بجای شخص دکتر میلسپو بیک نفر مستخدم عالیمقام تر و دانازر و متخصص تر از دولت امریکا جلب بکند و استخدام بکند و تمام مقامات این مملکت هم موافقت و گمان میکنم در مجلس شورای ملی هم بیک اکثریتی دارای این عقیده باشد که ما چند سال دیگر بیک نفر رئیس کل مالیه متخصص با اختیاراتی لازم داریم. در هر صورت بنده یکی از اشخاصی هستم که معتقدم این مملکت لا اقل تا پنج سال دیگر محتاج است بیک نفر رئیس کل مالیه مقتدر امریکائی و بیک نفر خزانه دار امریکائی و بیک نفر رئیس محاسبات امریکائی و السلام سایر آقایانی هم که تشریف آورده اند البته بیک خدماتی هم به مملکت کرده اند راضی هم هستیم حسن روابط هم داریم ولی پیش از این شیراز و کرمانشاه و غیره محتاج بر رئیس مالیه خارجی نیست اما مرکز مالیه ما احتیاج دارد بیک رئیس بیک خزانه دار و بیک رئیس محاسبات آنها مخصوصاً از مملکت امریکا دولت را بنده

دیدم دارای این نظر است با توافق نظر دولت بنده پیشنهاد کردم که در ظرف این مدت چهل و نه روز (حقیقه) چون گفتند ما مایلیم وسایل استخدام بیک نفر متخصص عالیمقام امریکائی را برای زیادت کل مالیه فراهم بکنیم) که رئیس الوزراء ایامی که آن اختیارات دارد خانمه پیدا میکند و کمتر از این شخص تمام میشود کمتر از آن شخص جدید به مجلس آمده باشد از دولت استدعا دارم در این کار صمیمیت بخرج بدهد یعنی وقت خودشرا تماماً صرف این کار بکند مجلس هم حاضر است و بالاخره تا چهل روز دیگر هم دولت با تلگراف موفق خواهد شد باینکه بکنفر را در نظر بگیرد برای اینکه مملکت امریکا بر از متخصص خوب است وقتی هم که حقوق خوب دادید همه کس حاضر است حقوق دو سه نفر را بیک کنید بدهید بیک نفر که بدرد کار بخورد و او را استخدام کنیم و این پیشنهاد هم با توافق نظر آقای رئیس الوزراء و آقای وزیر مالیه نوشته شده دیگر بسته است بنظر مجلس

رئیس الوزراء - هر دو پیشنهاد را دولت قبول میکند بعضی از نمایندگان - مخالفیم.  
حاج آقارضا (رفیع) - بنده مخالفم  
بعضی از نمایندگان - رأی میگیرند مخالفید رأی ندهید.

رئیس - آقای مدرس

مدرس - همین جور که آقای شیروانی فرمودند (استجازه هم از آقای رئیس میکنم در پیشنهاد نباید بر حرف زد لیکن پیش آمد طوری شده است که در این پیشنهادها قدری زیاده از اندازه حرف زده می شود لهذا سه مسئله را بنده عرض میکنم. شخص بنده در ضمن صحبت در بر گرام هیئت حالیه نسبت بر رئیس مالیه طرداً للباب بیک صحبتی کردم و الا در این چهار پنج ساله تصدیقاً یا غیر تصدیقاً صحبتی نداشتم و محل ابتلاء شخصی هم بر رئیس مالیه در این چند سال هیچ نشده ام

الا بیک دفعه بیک نوعی از شان کردم آنرا هم نشنیدند در وقتی میخواستند تشریف ببرند امریکا فرستادند پیش من عکس مرا خواستند گفتم برای چه میخواهید گفتند میخواهم سوغات ببرم گفتم عکس من که فایده ندارد خوبست این پولهایی را که از ما میگیرید بیک چیزی بخرید و آنها را سوغات ببرید نه اینکه بیک چیزی که قیمت ندارد ببرید و پول هارا هم ببرید. این راه قبول نکرد و محل ابتلاء من فقط این بود. ولی اصولاً عرض میکنم مستخدم هر چه خوب باشد وقتی دولت صلاح ندید و نخواست باید تشریف ببرد جناب ایشان هم در دو مسئله خیلی خوب بودند یکی در تمرکز عایدات و یکی نظارت در مخارج در باقی کارشان بنده هیچوقت تصدیق نداشتم بهشان هم میگفتم لیکن معذک بنده عقیده ام این است که خدمات نمایان کرده و باید همه تشکر داشته باشیم و امیدوار هم باشیم که ایشان راضی باشند که ما مستخدم دیگر بیاوریم و البته آن مستخدم هم خدمات نمایان بکند ولی بشما عرض میکنم که هر مستخدمی ما بیاوریم بعد از پنج سال به تخصص امروز دکتر میلسپو نمی شود (جمعی از نمایندگان - صحیح است) اینها خیال است بعد از شش سال و ده سال هم شاید نشود. ولیکن باید هر طوری صلاح شد همان طور بشود من که در مرحله خودم از خدمات ایشان تشکر میکنم و از تطبیق کردن جمع و خرج ایشان متشکر ولی حالا باید دید این پنجاه روز ما باید خودمان را طوری معرفی کنیم که در مملکت ایران بکنفر نیست که این صد دینار را بدهیم بدستش نافرمان کنیم دیگری را بیاوریم؟ من خیلی این را برای خودمان بد میدانم. آقای دکتر خیلی خوب. پیش ها هم خیلی خوب. لیکن این پنجاه روز ما بیک را نداریم که این کار را بدهیم دستش ناسر سبر حوصله و نامل کنیم تا موافقت حاصل بشود. بنده در این مسئله با پیشنهاد آقای تقی زاده موافقم لیکن این پیشنهاد خودم را هم خوب میدانم عرض میکنم آقای مخبر السلطنه

معروف بخوبی و صحت عمل هستند. بیک وقتی با ایشان مباحثه کردیم که چرا شما چیزی ندارید ایشان گفتند آخر صحت که پول نمی آورد بنده با ایشان گفتم شاید مثل من هنر نداشته باشید گفتند خیر از صحت است حالا خودشان که معتقدند صحت عمل دارند معروف هم که هستند بصحت عمل ممکن است این پنجاه روز این اختیار را بیاوریم دست ایشان تا مجلس مطالعه کند. آقای دکتر میلسپو که تشریف آوردند. (من سر رشته از مالیه ندارم که بگویم متخصصند یا نیستند. خواهش دارم عراض بنده را چون حال ندارم گوش کنید) لیکن وقتی که آمد الانصاف آدم وزن سنگینی بود. ولی حالا در اینکه متخصص شده شکی نیست اما چه شد که این شخص کارش پیشرفت کرد جهتش این بود که این قانون با توافق نظر تمام مجلس و دولت درست شد. آقای دکتر میلسپو آمدند سر همچو قانونی که با توافق نظر تمام مجلس نوشته شد. آقا فرمودند کمیسیون بودجه و لیکن من خاطر ام کمیسیون فوق العاده تشکیل شد و خیلی از آقایان خارج از مجلس هم دعوت شدند و در این مسئله قانونی تبادل آراء شد توافق نظر دولت و مجلس در این قانون شد و انصافاً ایشان هم در مقام اجرا بیک خدمات خوبی کردند. حالا بنده عقیده ام این است که مطابق پیشنهاد بعضی از آقایان این پنجاه روز این اختیارات داده شود بشخص آقای که الان رئیس دولت است و خودمان را این جور معرفی نکنیم که بکساعت بیک کسی را نداریم مالیه مان را دستش بدهیم برای پنجاه روز بیک کسی را برای این کار نداریم. این شخص را من نمی شناسم شاید هم خوب باشد. اما خوب نیست بگوئیم برای پنجاه روز بیک آدم ما در ایران نداریم این بدانمی است برای ما پس بهتر این است این مدت مالیه بدست ایشان باشد نافرمان کنیم. مطالعه کنیم و با پیشنهاد دولت و با توافق نظر تمام و کلا بیک نفری را که بسند بدم با از امریکا که ایشان پیشنهاد کرده اند با از جای دیگر بر سر



صبر استخدام کنیم و بنده عقیده ام این است همین جوری که آقای مخبر السلطنه آن پیشنهاد را قبول کردند این پیشنهاد را هم قبول کنند و بعد بر صبر بنشینیم و تأمل کنیم و کار را درست کنیم

رئیس الوزراء - بنده افتخار داشتم به حاج رئیس الوزرائی حالا معلوم میشود باید حاج رئیس مالیه هم باشد. بنده میترسم آقای مدرس از شدت لطفی که به بنده دارند مقصودشان این باشد که بنده از ریاست وزرائی استعفاء کنم و بروم رئیس کل مالیه بشوم ...  
مدرس - خیر.

رئیس الوزراء - والا جمع این دو شغل با هم دیگر خودشان هم باید تصدیق بفرمایند که نمیشود ...  
مدرس - چرا؟

رئیس الوزراء - آخر ریاست کل مالیه خودش يك شغلی است که اولاً يك تخصصی میخواهد که بنده آن تخصص را ندارم. عادت میخواند بقانون مخصوص که آن عادت را ندارم و يك فرصتی میخواهد برای اینکار که بنده آن فرصت را هم ندارم با این سه شرط معدوم در بنده بنده نمیدانم چه جور باید این کار را بکنم و اگر نظارت کلیه است که البته دولت يك نظارت کلیه بر همه ادارات دارد و باز بنده عقیده ام این است که آقایان موافقت بفرمایند که از همان اشخاصی که انس دارند عادت دارند و ورزیده هستند بکنند سرکار گذاشته شود. البته دیگران هم هستند و این امر هم دلالت نمیکند بر این که در ایران بکنند آدم نیست در ایران صد هزار نفر هم هست که میتوانند همه این کار را بکنند خیلی هم خوب میکنند ولی البته يك نظر های دیگری بوده است که ما خواستیم معلومات خارجی ما را هم داخل معلومات خودمان بکنیم و يك متخصصی هم از خارج داشته باشیم. این دلالت ندارد که در مملکت ما آدم نیست. آدم زیاد است خیلی اشخاص

و بیگانه مسبوق و مستحضر خواهند شد. در هر حال یکی از عوامل مهمه احیاء ایرانی در این پنجسال اخیر خدمات ایشان است در این موقعی که ایشان میروند بنده پیشنهاد کردم که بکنند ایرانی موقتاً بجای ایشان انتخاب بشود پیشنهاد شده است از طرف دولت که مکاسکی جای نشین ایشان باشد همانطور که آقای ارباب در جلسه گذشته اظهار کردند آقای مکاسکی محاسب هستند و آنوقت باید هم خرج کنند و هم حساب کنند و این مقتضی نیست علاوه بر این چون هم نوع است بامیلیسپو بنده صلاح نمیدانم که بکنند هم نوع که مادون اوست جای نشین او بشود آهم مادون هم از نقطه نظر علمی و هم مخصوصاً از نقطه نظر اخلاقی و مقتضی بود که خود ایشان تا انتضاء مدت باقی بمانند و این پیشنهادی که بنده کرده ام يك نفر ایرانی با همان اختیارات بجای آقای دکتر میلیسپو معین شود محسنانی دارد و بهترین محسنانش این است که در این مدت يك آزمایشی میشود و لیاقت ایرانی هم ثابت میشود و بنده معتقدم که با همان اختیاراتی که به میلیسپو داده اند ایرانی هم میتواند از عهده برآید این بود که بنده این پیشنهاد را کردم.

رئیس - آقای تقی زاده راجع به پیشنهاد خودتان بفرمائید

آقا سید یعقوب - بنده مخالف بودم باین پیشنهاد ایشان رئیس - يك قدری مخلوط شد با هم موقع شمام میرسد آقای تقی زاده بفرمائید

تقی زاده - چون بعقیده بنده مذاکرات قدری زودتر بکفایتش رأی داده شد و این مطلب هم مکرر در مجلس گفته شده که بعضی مطالب هست باید در مجلس گفته شود و فایده ندارد که مذاکرات زود کافی بشود در اینصورت انسان مجبور است پیشنهاد کند و مطالب خودش را در پیشنهاد بگوید و بنده مخصوصاً خودم را مکلف میدانم که مطلب خودم را در اینجا بیان کنم

خیلی هم اهمیت نمیدم که پیشنهاد بنده را قبول کنند با موافقت نکنند شاید هم صلاح بدانند و موافقت بکنند ولی این مطلب از آن مطالبی است که در اینجا لازم میدانم خطاب به مملکت و ملت در آن باب حرف بزنم این صحبت خطاب به مملکت و تاریخ است نه خطاب به اشخاص حاضر. بنده چند روز قبل این جا گفتم که دو سه روز دیگر سر نوشت مملکت برای مداومت یا عدم مداومت اوضاع پنج ساله اخیر مالیه مملکت باید معلوم شود. در این سه ماه اخیر این سؤال و جواب ها با قبول معروف این بازها همه اش در پس پرده میگذاشتند و مجلس را هیچ اشتراکی در این کار ندادند و هیچ اطلاع نداشت مگر اینکه در جرائد میخواندند و هیچ مشورتی با مجلس و کمیسیونهای مجلس نشد ولی البته خبر خواهان مجلس هم بسکوت گذراندند و حتی الامکان دست دولت را باز گذاشتند و هیچ قسم دولت را زحمت ندادند که که از راهش کج بشود و از صمیم قلب میخواستند که مقاصد دولت بعمل بیاید و همینطور از صمیم قلب آرزو میکردند که سر این دوریسان برای مصالح مملکت و آسایش مملکت بهم بیاید و مالیه مملکت مختل نشود و خیلی متأسفم که سر نوشت این مملکت بطور دلخواه خبر خواهان مملکت معین نشد

جمعی از نمایندگان - صحیح است

حاج آقا رضا رفیع - کجا صحیح است. عقیده خودتان است از طرف دیگران نگویید.

تقی زاده - البته بعقیده بعضی که حرف میزنند صحیح است و بعقیده بعضی صحیح نیست. در آن حرف ندارم ولی بنده تصور میکنم که دولت در این مورد بلکه میخواهم بگویم متصدیان امور و هر کسی که در این کار دخالت داشت (چون اطلاعی که شخصاً از آقای رئیس الوزراء دارم موافقت و حسن نیت شان را در این کار دیدم و اگر این اظهاری که اینجا کردند بر حسب تکلیف نباشد آنچه که بنده اطلاع دارم ایشان هم اطلاع دارند و کاملاً



ممکن بود این کار را بطور خوبی حل کرد. چیزی که متصدیان امور در این کار غفلت کردند و غفلت اساسی بود و برای آنبه مملکت مضرات عظیمه را مشتمل است همان طریقه است که آنرا دنبال کردند. مطلب البته مذاقه لازم داشت و باید مباحثه و مذاکره بشود. بعضی آقایان گفتند که روز اول طرف مقابل گفته که من فلان چیز را میخواهم. بنده میگویم البته روز اول او در آن پله اول می ایستد شما هم در آن پله آخر (که خیال هم ندارید بایستید) می ایستید ولی آن صحبتهای روز اول را نباید مناط قرار بدهیم. بعد کم کم پله پله بهم نزدیک میشوند ولی باید مملکت و نمایندگان ملت بدانند که در فلان وقت فلان واقعه که بی خبر گذشت آیا تمام مسائل و نظریات خیر خواهانه بعمل آمد که آن قدری که ممکن است قضیه حل بشود یا نه؟ این مطلب برای بنده مشکوک است و کاملاً هم مشکوک است. اینجا فرمودند که ایشان گفته اند که من این را روی هم رفته قبول ندارم. البته آقایان باید مسبق باشند که (روی هم رفته) را ترجمه کرده اند از يك كلمه کاملترش این بود که تماماً در یکجا یعنی بدون اینکه يك کلمه حذف شود. یعنی کاهو علیه قبول ندارم. بنده نسخه انگلیسی آنرا هم دیدم. بلی البته دولت نیابت، و اظهار هم نمیکرد که میخواهد تمام جزئیات را ایستادگی کند. مسئله اساسی مسئله حکمیت بود. همانطور که فرمودند در کنترات گذشته و در این پنجسال گذشته حقی که با ایشان برای تعیین حکم داده شده بود بطور مطلق بود یعنی هر کس را که می خواهد معین کند و دولت میخواست این «هر کس» نباشد. یعنی برای تصفیة اختلافات اگر قضیه به محلی رجوع شود محل ایرانی باشد. این را بالاخره دکتر میلسپو قبول کرد که اگر چه او غیر ایرانی است و دولت ایران است ولی اگر با هم در سر مطلبی اختلاف داشتند و او بگیرد که من این را اینطور می فهمم و حقوق من باید این طور حفظ شود بالاخره قاضی و فاضل قضیه را ایرانی معین میکنند. این

این پنجسال کمک بزرگی کرده و میدوارم که ملت امریکا تصور نکنند که ما حق ناشناس بودیم. بنده شخصاً از اشخاصی بوده ام که همیشه از اول مشروطیت تا حالا برای مداخلات زیاد اجانب و خارجه ها در این مملکت معارضه کرده ام و تمام عمر در این کار جهاد کرده ام و همه اهل مملکت هم میدانند ولی رای بنده جای تعجب است که بعضی اوقات در مقابل يك شخصی (که فقط پاسپورتش خارجه است و غیر از آن دیگر هیچ چیزش خارجی نیست و اگر نوکری و استخدام ما را قبول کند هیچ دولت خارجی از او نگاهداری و طرفداری جبری نخواهد کرد و اگر او را بیرون هم بکنیم هیچ طور نمیشود و يك نت هم برای ما نمی فرستند و ما می توانیم آزادانه امور مالی خودمان را با اختیارات بدست يك همچو شخصی بدهیم و هیچ ضرری هم برای ما نخواهد داشت) اینقدر اشکال می شود! در صورتیکه بعضی اشخاص بودند که دادن اختیارات را بدولت خارجه صلاح میدانستند و آن را برای مملکت عیب نمیدانستند ولی در این مورد و مقام در موضوع يك نفر خارجی که نوکر ایران است و کاملاً تحت اختیار دولت ایران است گفته میشود که چرا خارجی باید در کار مداخله کند! این مطالب از خاطر ملت و مملکت و تاریخ محو نمیشود که دکتر میلسپو و شوستر را مجلس شورای ملی استخدام کرد ولی هیچکدام را مجلس مرخص نکرد. ملت ایران آنها را در خاطر خود نگاه خواهد داشت و خدماتشان را فراموش نخواهد کرد. اینها مأمورین بی غرض و بیطرفی بودند که در این مملکت حقیقتاً مانند وطن پرستان ایرانی برای این مملکت خدمت کرده اند و هیچ فرقی با آنها نداشته اند جز اینکه پاسپورتشان خارجه بوده است. اینها حکم لافابت و بارانش را داشته اند که در استقلال امریکا آنطور خدمت کردند. اینها حکم انگلیسهائی را داشتند که بسرکردگی گارمبالای درابطا یا خدمت و فداکاری کردند. اینها آمدند در ایران و

برای این مملکت خدمت کردند و در تحت تأثیر عوامل رفتند...  
حاج آقارضا (رفیع) این چه تزیینی است؟ کنفرانس است؟!  
رئیس -- دیگران هم همین تزیین حرف زدند  
حاج آقارضا (رفیع) -- ماده شصت و سه را هم...  
تقی زاده -- اگر نمیخواهید حرف نمیزنم و باستانی پائین میایم...  
بعضی از نمایندگان -- خیر. نفرمائید. بفرمائید.  
تقی زاده -- ولی بنده باید در مقابل تاریخ و مملکت حرفم را بزنم. اینها در تحت تأثیر عوامل مخصوصی از مملکت ما رفتند و اولین فرصتی که ملت ایران پیدا بکنند ثابت خواهد کرد و نشان خواهد داد که ملت ایران خدمات خیر خواهانه آنها و ملت نجیبشان را فراموش نخواهد کرد. ملت امریکا ملتی بود که در موقع سختی بما کمک کرد و باز اول دولتی بود که برضد قرارداد در آن موقع برآست کرد. ولی بعضی از اشخاص بی قید این مملکت در موقع خوشی ایشان را فراموش کردند. خلاصه عقیده خود بنده این است که هنوز هم دیر نشده است و ممکن است با خود دکتر میلسپو کنار آمد. و اگر حسن نیت در کار باشد این مسئله ممکن است بطوری که عرض کردم بنده این حسن نیت را در آقای رئیس الوزراء سراغ داشتم ولی حسن نیت ایشان هم مثل حسن نیت اکثریت مجلس نمیری نداشت. بنده برای دفعه آخر و برای اداء تکلیف خودم در اینجا عرض میکنم که اگر واقعاً میخواهید این مطلب در روز روشن جلوملت و مملکت و مجلس حل شود بهتر این است که يك کمیسیون از مجلس انتخاب شود و با دکتر میلسپو و نمایندگان دولت مذاکره کنند که اگر واقعاً ایشان يك اشکالی پیش میآورند که قابل حل نیست آنوقت دیگر هیچ جای حرفی باقی نخواهد ماند ولی اظهارانی که آقای رئیس الوزراء فرمودند چندان مقنع نبود زیرا ایشان فرمودند دکتر میلسپو گفته که من هم



نیمساعت حرف زده میشود که يك نفر از آسمان پائین افتاده است و معتقدیم که اگر این برود دنیا بهم میخورد خیر دنیا هم بهم نمیخورد.

نقی زاده - دنیا بهم نمیخورد ولی کار شما بهم میخورد.

وزیر مالیه - هیچ بهم نمیخورد - هیچ طور هم نمیشود رئیس - آقای دشتی

دشتی - آقای نقی زاده از وقتی که وارد ایران شده اند جداً طرفدار دکتر میلسپو شده اند. ولی شاید خودشان هم تصدیق کنند که بنده قبل از ایشان یعنی از ابتداء که دکتر وارد ایران شد و مشغول کار شد و در طی عمل دکتر را دیدم طرفدار او بودم.

همینکه دکتر میلسپو وارد عمل شد بنده دیدم حقیقتاً آدم بی غرضی است و باید عملیات او را تقدیس کرد لهذا در مواقع مختلفه که می خواست مالیات معوقه را از سپهسالار مثلاً وصول کند يك دنعه در طهران جنجال میشد و می خواستند او را هو کنند در آن موقع تنها کسی که در دفعه اول و دوم و سوم از دکتر میلسپو حمایت کرد خود بنده بودم. و تا آخرین دقیقه هم که دکتر میلسپو از این شهر بیرون میرود بنده یکی از طرفداران او هستم و معتقدم که دکتر میلسپو یکی از مستخدمین خیلی خوب این مملکت بوده است. یعنی هیچ خیانت باین مملکت نکرده است. و در مواقعی هم که دکتر میخواست وظائفش را انجام دهد و مطابق تکالیفش رفتار کند يك قال و مقالهایی برضش بلند میشد خود بنده میدانم که شاید عده بر علیه او و برای خنثی کردن عمیات او قیام کردند ولی فعلاً موضوع در این نیست که دکتر میلسپو بد است یا خوب است. بنده گمان نمیکنم يك نفر در این جا باشد که عقیده داشته باشد میلسپو بد آدمی است. یا دزدی کرده. موضوع سر این نیست. موضوع در این است که دکتر میلسپو نمیخواهد کمترت خود را با آن شرائطی که دولت در نظر دارد تجدید کند. عمده

را يك جا قبول ندارم و آن چیزهایی که او میخواست قبول کند بدرد ما نمیخورد و آن چیزهایی که ما می خواستیم او قبول نمیکرد ولی بالاخره معلوم شد که آن چیزها چیست. بنده حاضر ثابت کنم و خیلی از چیز های اساسی را که دولت میخواست او حاضر بود قبول کند. و بنده بسهم خود اینجا عرض میکنم که هر قدر تأثیر و نفوذیکه در اینکار اجرا کردم؟ تمامش یعنی صدر صدش برای این بوده است که طرف مقاصد دولت ایران را قبول کند و برای این نبوده است که دولت پیشنهادات او را قبول نماید بعلاوه ما نمی خواستیم از جاده خودمان خارج شده باشیم ولی میخواستیم کاملاً دولت را آزاد گذارده باشیم عرض میکنم که باید حسن نیت در کار باشد تا ثمر مطلوب گرفته شود و چنانچه عرض کردم بنده این اظهارات را برای اداء تکلیف نمایندگی ملت و ضبط تاریخ عرض کردم. حالا اگر واقعاً آقایان میخواهید ممکن است امتحان کنید و به بینید میشود یا نه؟ ولی همان طور که آقای مدرس فرمودند عرض میکنم هیچ متخصصی هم پیدا نخواهیم کرد که بعد از پنج سال مثل دکتر میلسپو شود

وزیر مالیه - بنده عرض دارم.

رئیس الوزراء - بنده خیلی مفصل عرض نمیکنم آنچه که باید عرض کنم عرض کرده ام و آن ابهامی هم که آقای نقی زاده فرمودند در عریاض بنده نبود. بنده در آخر کلام خودم اعاده نکردم ولی پیدا بود آن نکته که او قبول نمیکرد روی کدام مبحث است حالا هم پیدا است تمام مسئله روی حکمیت است و حرف سر این است که دولت هم آخر باید در مملکت خودش اختیاری داشته باشد میگویند نباید این اختیار را داشته باشد و البته دولت نمی توانست زیر بار این حرف برود ولی بنده خیلی متأسفم و تأسفم هم این است که يك وقت نیمساعت روی این کرسی حرف زده میشود که ما باید نشان بدهیم خودمان هم يك چیزی هستیم و بعد

مطلب در این قسمت است. آقای نقی زاده فرمایشاتی فرمودند حاکی از اینکه چرا مجلس را مداخله ندادند. بنده معتقد نیستم که مجلس در اینکار مداخله کند. مسئله استخدام و ضرورت استخدام يك نفر خارجی را دولت باید تشخیص بدهد و بعد کمترت را به مجلس بیاورد آنوقت اگر مجلس مقضی دید رأی میدهد و اگر مجلس بانظر خوب آن مستخدم را نقلی نکرد رأی نمیدهد اما نمیشود که مجلس از يك دولتی استبضاح کند یا او را بیندازد برای اینکه چرا فلان مستخدم را استخدام نکردی این ترتیب برخلاف اصول پارلمانی است. بنده تعجب می کنم چرا آقای نقی زاده این فرمایش را میفرمایند! و اعتراض میفرمایند که چرا دولت مجلس را مداخله نداده است در این موضوع. اما راجع بخود دکتر بنده شخصاً بواسطه موقعیت روزنامه نگاری که دارم مطلعم که دو ماه است مذاکرات با دکتر میلسپو در جریان است و مجالس مختلف و زیادی بین رجال مملکت و دکتر میلسپو اتفاق افتاده است. و مذاکرات جریان داشته و همان طور که آقای رئیس الوزراء فرمودند يك مسائلی هست که در ظرف این پنجساله دولتها با او بی برده و دیده اند که بعضی از مواد این اختیارات بحال مملکت مضرت و خواسته اند آنها را اصلاح کنند. بنده عقیده ام این است که اگر دکتر را بحال خود باقی میگذاشتند با نظریات دولت موافقت میکرد ولی کاسه های از آتش گرم تر دکتر میلسپو را بهوس انداخت و دعواء به جهل کردن و باصطلاح پوست خرزله زیر پایش گذاشتند و بالاخره نگذاشتند که او با نظریات خیر خواهانه دولت موافقت کند. نه تنها کابینه آقای حاج مخبر السلطنه این مسئله را در نظر داشت بلکه کابینه آقای مستوفی الممالک هم معتقد بود که باید در مواد پرگرام دکتر میلسپو تجدید نظر شود. کابینه های گذشته هم در ظرف این پنجساله غالباً معتقد بوده اند که در موقع تجدید استخدام کمترت دکتر میلسپو باید بعضی از موادش اصلاح شود

یکی از مسائل خیلی مهمه که در نظر گرفته شده بود مسئله حکمیت است. حقیقتاً خیلی مضحک است که دکتر میلسپو میگوید من هیئت دولت ایران را که طرف اعتماد اکثریت مجلس است قبول ندارم. بدیهی است که همیشه دولتتهائی که روی کار میآیند طرف اعتماد اکثریت مجلس خواهند بود در اینصورت مضحک است که دکتر میگوید من هیئت دولت را قبول ندارم و باید از خارج سه نفر بیابند حکمیت کنند. در صورتیکه رأی هیئت دولت باید قاطع باشد. مخصوصاً پس از آنکه دولت مسئله حکمیت را تفکیک کرد. یکی راجع به حقوق شخص دکتر میلسپو بود آن را به حکمیت خارج واگذار کردند. یکی هم راجع به فهم قانون بود آن را هم گفتند مراجعه شود به کمیسیون که مرکب است از رئیس دیوان تمیز و رئیس الوزراء و رئیس مجلس. و یکی هم راجع به قضایای جاری امور مالیه است. در اینهم باید نظر هیئت وزراء قاطع باشد. دیگر بنده نمیدانم قبول نکردن این پیشنهادات و مواد از روی چه منطق و فلسفه است. یعنی باید فرض کرد که تمام هیئت وزراء دزدند اگر فرض شود که این هیئت وزراء دزدند مجلس شورای ملی هم که این وزراء را آورده است پس دزد است باید دانست که بالاخره اینها همه نوکر این مجلس و نوکر این دولتند و معنی ندارد که يك مستخدم خارجی بگوید من يك هیئت دولتی را قبول ندارم. این حرف برخلاف منطق و حیثیات يك مملکتی است. بالاخره ما ایرانی هستیم و باید حفظ حیثیات و شؤن خودمان را بکنیم. اگر فرضاً يك وضعیات سوئی گاهی پیش آمده است این دلیل نمیشود که تمام افراد و اعضاء این مملکت همه خائن و دزدند. فرضاً هم که این طور باشد شما نباید این حرف را بزنید. و این حرف منطقی نیست. اما همانطور که بنده بخدمات دکتر میلسپو عقیده دارم عقیده هم دارم که يك معاصی هم داشته است. محسنانی که دکتر داشته راجع به تمرکز دادن عبادات



بوده و این خیلی خوب بوده و از این حیث خوب کار کرده. نظارت در خرجش هم خیلی خوب بوده شاید بهتر از این نمیشد. و خیلی خوب ناظر و مراقب مخارج بوده اما در عین حال خودش هم يك مخارجی میکرد. يك ميليون و نیم فقط اعتبار دادند اداره ارزاق و الان یازده كرور اضافه خرج كرده اند و اداره را مقروض کرده اند. این پول را دكتر بچه لحاظ داده است؟ و خود این برخلاف قانون است. خود دكتر آدم خونی است و مطمئن هستم كه دزدی نمیکند ولی در همین حال نباید اجازه بدیم كه خلاف قانون هم بشود. از جمله معایبی كه میسیون امریکائی دارد این بوده است كه اینها خیال کرده اند اداره مالیه نجارخانه است و باید عایدات بای نجوكان و بهر وسیله كه هست زیاد شود. لهذا برای امنای مالیه كه بتوانند عایدات مملكت را زیاد كنند مسابقه و جائزه معین کرده اند. خوب! زیاد كردن عایدات یعنی چه؟ یعنی پدر مردم را در بیاورند و اسباب زحمت شوند. بنده از آقایان سؤال میكنم كدام يك از شما از وضعیت اداره مالیه محل خودتان راضی هستید. اینها البته تقصیر دكتر نیست. شاید دیگران این كار را کرده اند و بامانای مالیه اینطور دستور داده اند ولی در هر حال این كار را کرده اند یکی دیگر اینکه میسیون امریکائی خیال میکنند کسی كه دزدی كرد سند دزدی خواهد داد یا این كه روی پیشانیش نوشته است كه مثلاً فلانكس دزدی کرده است در صورتیکه همچو چیزی نیست. نتیجه این میشود كه هرامین مالیه كه يك كاری میکنند معلوم نمیشود و هر كاری كه میخواهند در ولایات میکنند. از جمله صندوق اصفهان بود كه صد و شصت هزار تومان در آنجا از بین رفت. و معلوم نشد چه شد. به آقایان و كلاء ولایات مخصوصاً تذکر میدهم راجع برؤسای ارزاق و تحصیلدار های مالیه كه هريك از آنها در مدت تصدی خودشان متمول شده اند. بنده در این مدت چند فقره را به رئیس كل مالیه

تذکر دادم و گفتم اقلأ خوب است مفتشین مخفی قرار بدهید كه اینها بروند و از مردم و محل سؤال و تحقیقات كنند تا معلوم شود چه كارهایی کرده اند. والا فرستادن مفتشین رسمی فایده ندارد زیرا پس از رفتن بار رئیس ارزاق یا بار رئیس مالیه شريك میشوند و يك راپرت مفصلي مشعر بر حسن عملیات آنها بمرکز خواهد داد و فایده نخواهد داشت

این ها سوء جریانی بود كه در ادارات مالیه پیدا شده بود كه بنده همه را به دكتر تذکر دادم و ایشان قبول نکردند ولی در عین حال بنده معتقدم كه این سوء اداره و جریان در اثر سوء اخلاق دكتر بود و همانطوریکه آقای تقی زاده فرمودند ایشان بان مملكت خدمت كردند و قصد خدمت داشتند بالجمله حالا مسئله سر این نیست كه دكتر میلسپو میرود و مالیه مملكت را می اندازند در بیابانها. دولت يك لایحه به مجلس آورده است مبتنی بر اینکه خود دكتر میلسپو شرائط دولت را قبول نكرده و با اصول شرائط پیشنهادی دولت موافقت نكرده و میخواهد برود و میخواهیم متخصص امریکائی بهتری بیاوریم. بنده نمی فهمم این چه عیبی دارد؟ و چه اشكالی دارد؟ مگر شما تصور میکنید در تمام امریکا متخصص منحصر باباشان بوده و دیگر متخصص نیست؟!؟

امریكا متخصصین مالیه و فینانس خیلی زیاد دارد چنانچه یك نفر متخصص امریکائی بالمان رفت و آن نقشه اقتصادی معروف را كه موسوم است به نقشه داوس در انجا كشید و آلمان را از خطر اقتصادی نجات داد. ما هم یك نفر متخصص دیگر و بهتری از امریکا استخدام خواهیم كرد و همانطور كه آقای شیروانی فرمودند دو برابر و سه برابر هم باید باو حقوق داد و او را باید وادار كرد كه نقشه مالی برای این مملكت بكشد. دكتر میلسپو نقشه مالی برای این مملكت طرح نكرد فقط قسمت نظارت در خرجش خیلی خوب و قوی بوده و اینكه

ملاحظه میفرمائید خیلی اظهار تشكر از او میكنم فقط برای همین است كه خوب نظارت در خرج داشته والا يك نقشه های جدید برای مملكت ما نكشید. وزارت مالیه الان نه كرور بودجه دارد. در صورتیکه چهارده پانزده كرور بیشتر عایدات وصول نمیکند دكتر میلسپو در این مدت نتوانست اقلأ بودجه وزارت مالیه را ساده تر و سبك تر از این تهیه كند. این بودجه فعلی وزارت مالیه قابل تحمل نیست. با وجود اینها دولت ایران بواسطه خدماتی كه دكتر کرده خواست از او قدر دانی و نگاهداری كند و همان شرائط سابق را باو پیشنهاد كرد فقط در بعضی از آن شرائط كه برای خودش غیر قابل تحمل میدانست خواست تجدید نظر بكند و دكتر زیر بار نرفت و قبول نكرد. این مسئله مستلزم این نیست كه ما دست روی دست بگذاریم و عزا داری بكنیم و فكر كنیم حالا كه دكتر میلسپو قبول نكرده و میخواهد برود تمام ایران از بین خواهد رفت. و تاریخ ایران بكلی عوض خواهد شد و مقدرات آتیه ایران موكول بر این است كه دكتر میلسپو زود و بماند. خیر. بنده قسم میخورم كه مقدرات مملكت مربوط برفتن یا رفتن دكتر نیست و اگر او برود بهیچ وجه مقدرات ما بهم نخواهد خورد مخصوصاً اینکه تصمیم داریم كه يك نفر آدم متخصص بهتری كه عمل هم کرده باشد بیاوریم. و ممكن است این كه میآید خیلی بهتر از دكتر میلسپو برای ما فائده داشته باشد. فرمودند تاریخ ایران شوستر و میلسپو را فراموش نمیکند. از كجا معلوم است تاریخ شخص دیگری را كه بجای دكتر خواهد آمد فراموش كند؟ ممكن است این کسی كه میآید خیلی بهتر از او باشد و برای ما بهتر كار كند مثل این است كه در امریکا كه صد میلیون نفوس دارد و متخصص مالی در امریکا بیش از همه جا است تخصص در امور مالیه فقط اختصاص دارد به دكتر میلسپو كه آنهم آمده و عاشق چشم و ابروی ایرانی شده است و خواسته است از نقطه نظر تاریخ به ایران خدمت كند

آنوقت يك عده آمده اند میخواهند او را بیرون كنند در صورتیکه اینطور نیست این چه اصراری است كه بگوئیم حتماً دكتر میلسپو باشد؟ مخصوصاً آقای دكتر میلسپو يك خبط هائی هم کرده كه ما را دچار اشكال کرده است از جمله شیلات است كه دولت میخواست به يك ترتیبی این قضیه را حل كند برای اینکه يك قسمت از سیاستهای مهم ما مبتنی به مسئله شیلات است و دكتر میلسپو با این قسمت مخالفت كرد. مسئله دیگر بطوری كه به بنده اطلاع داده اند بنزین برای کامیونها از اینجا به بندر پهلوی میبرند مخصوصاً از بنزین نفت جنوب در صورتیکه بنزین در بندر پهلوی قطعاً ارزانتر تمام می شود همینطور گندمی كه از استرالیا خرید...

شیروانی - اینها تقصیر ماك كرامك بود

دستی - علی ای حال ماك كرامك هم یکی از اشخاصی بود و یکی از دسته كل هائی بود كه دكتر میلسپو بسرمازد. مسئله دیگر كه آقای تقی زاده فرمودند و خیلی اشتباه است این است كه خیال میکنند اگر ما موفق نشدیم كئنترات دكتر میلسپو را تجدید كنیم بدولت آمریکا برمی خورد. اگر تصور میکنند كه دولت آمریکا فقط منتظر این است كه ما كئنترات دكتر میلسپو را تجدید كنیم اینطور نیست مخصوصاً اینکه مجلس شورایی ملی قانون میگذرانند كه یك نفر متخصص دیگر از آمریکا استخدام كنند دولت ایران دو ماه تمام بذل مساعی كرد برای اینکه دكتر را متقاعد كند كه سر كار باشد ولی بالاخره شرائط دولت را قبول نكرد اینكه فرمودند دولت آمریکا دولت خونی است و با ما مساعدت کرده است خدا كند از ما مكردر نشود بنده تصور نمیكنم آنارونی كه يك دولت عظیمی است سیاستش با ما متوقف بر این باشد كه دكتر میلسپو در ایران بماند خود دكتر میلسپو نخواسته است با دولت موافقت كند این دیگر حرف ندارد. اما قسمت اخیر فرمایشات آقای تقی زاده بیشتر جنبه حماس و خطابی داشت شرحی راجع به لافایت و كار مبالای فرمودند كه



در امریکا و ابطالی چه خدماتی کردند . بنده این فرمایشات را در این موضوع وارد نمیدانم و دکتر میلیسیو را فقط یکنفر مستخدم ساده میدانم که در ایران استخدام شده و مطابق وظیفه اش رفتار کرده و خارج از وظیفه هم کاری نکرده است لافایت آزاد بود و در امریکا رفت

و استقلال آن دولت را تأمین کرد .  
جمعی از نمایندگان - تنفس .  
در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و بفاصله سه ربع ساعت مجدداً تشکیل و چون عده کافی نشد سه ربع ساعت بعد از ظهر مجلس ختم شد .